

بررسی تطبیقی حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و اندیشه اسلامی

نرگس یوسفی^۱

چکیده

در پژوهش حاضر، حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و اندیشه اسلامی توصیف و مقایسه شده است. بدین منظور مفهوم اقلیت، حقوق اقلیت‌های دینی، فقدان و نقص‌های جامعه بین‌المللی مطرح می‌شود. همچنین در چارچوبی جدید سعی شده است که حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی از دیدگاه اسلام و جامعه بین‌المللی حقوق بشر به تصویر کشیده شود. برای درک بهتر این مطلب، دیدگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امام علی عَلِيٌّ و امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ در مورد این موضوع و حقوق تمام اقلیت‌ها کنار هم آمده است تا نشان دهد که اقلیت‌های دینی نیز مانند سایر انسان‌ها هستند و تفاوتی با دیگر افراد ندارند. برای همین باید از حقوق برابر با دیگران برخوردار باشند. تحقیق حاضر به صورت کتابخانه‌ای و توصیفی گردآوری شده و نشان می‌دهد که حقوق اقلیت‌های مذهبی، امری شناخته شده هم در عرصه اسلام و هم در عرصه بین‌الملل است.

واژگان کلیدی: اقلیت، حقوق اقلیت مذهبی، اندیشه اسلامی، حقوق بشر.

۱. مقدمه

اقلیت مذهبی افرادی هستند که دین و مذهب آنها مذهب رسمی کشوری که در آن زندگی می‌کنند، نیست. برای همین در بعضی از مناطق از شرایط یکسان نسبت به سایر افراد برخوردار

^۱. دانش‌آموخته کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

نیستند درحالی که نباید به دلیل تفاوت مذهبی یا کم بودن تعداد، مورد تبعیض قرار بگیرند و باید از حقوقی که به همه افراد جامعه داده می‌شود به اقلیت‌ها نیز داده شود؛ زیرا آنها نیز مانند سایر افراد، انسان هستند. شناختن حقوق این افراد باعث می‌شود بی‌عدالتی و تبعیضی که در جامعه صورت گرفته است، برچیده شود. اقلیت در دوران دور تاریخی جایگاهی ندارد و تنها سرنخ آن به زمان کوروش کبیر برمی‌گردد که در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، زمان فتح بابل، تمام مللی که اقلیت بوده و در اسارت بابلی‌ها بودند را آزاد کرد. در سال ۱۵۵۵ میلادی در اروپا پیمانی امضا شد به نام پیمان صلح اوگسبورگ. این پیمان، حمایت از اقلیت‌های مذهبی را مطرح می‌کند و در اسلام نیز از صدر اسلام، حقوق اقلیت‌ها مورد توجه بوده است. در پژوهش حاضر تلاش بر این است که حقوق اساسی اقلیت‌های مذهبی در زمینه حقوق بشر و اسلام شناسایی شود و حقوق این افراد را به سایر افراد جامعه معرفی کند تا از تبعیض نسبت به اقلیت‌های مذهبی جلوگیری شود. در این زمینه مقاله‌های زیادی نوشته شده است، اما این مقاله‌ها یا به جنبه خاصی از موضوع پرداخته‌اند و یا دید کلی نسبت به موضوع داشته‌اند. مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع نوشتاری به توصیف و مقایسه حقوق اساسی اقلیت‌های مذهبی در جامعه بین‌المللی حقوق بشر و اندیشه اسلامی می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. اقلیت

اقلیت در لغت به معنای اندک بودن، اندکی کم بودن، قسمت کمتر و مقابل اکثریت است. (دهخدا، ۱۳۱۰) دشنه در تعریف اقلیت می‌گوید: «اقلیت، گروهی از شهروندان یک کشور هستند که به لحاظ عددی، بخشی از جمعیت یک کشور را تشکیل می‌دهند و در حاکمیت کشور شرکت ندارند و دارای خصوصیات قومی و مذهبی یا زبانی متفاوت از اکثریت افراد جامعه بوده و نوعی همبستگی در آنها وجود دارد که از راه اراده جمعی برای بقا نشأت می‌گیرد و هدف آنها دستیابی به مساوات و برابری حقیقی و حقوقی با اکثریت مردم است» (ترنبری، ۱۳۷۸).

لوئیس ورث - جامعه‌شناس آمریکایی - در مورد اقلیت می‌گوید: «هر گروهی که در جامعه زندگی می‌کند و به دلیل مشخصات فیزیکی و یا فرهنگی ویژه‌اش مواجه با رفتاری نامتناسب و متفاوت با رفتار نسبت به افراد دیگر جامعه شود و در نتیجه خود را موضوع یک تبعیض جمعی بداند اقلیت به حساب می‌آید» (خوبروی پاک، ۱۳۸۰). در جامعه‌شناسی، اقلیت این‌گونه تعریف شده است: «گروهی است که خصوصیات قومی یا نژادی مشخصی دارد که آن را در موقعیت قدرت محدود و پایگاه نامطلوب قرار می‌دهد به‌گونه‌ای که اعضای آن از فرصت‌ها و پاداش‌های محدود رنج می‌برند» (نوربخش، ۱۳۸۴). بهترین تعریف برای اقلیت عبارت است از: «گروهی از جامعه سیاسی و یا دولت-کشور که معمولاً از نظر تعداد، کمتر از سایر اعضای جامعه بوده به دلیل عواملی مانند قومیت، مذهب، زبان، فرهنگ و... دارای هویتی متمایز از دیگر اعضای جامعه‌اند و در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه اداره جامعه به‌طور مؤثر و با فرصت یکسان مشارکت و حاکمیت ندارند و در معرض تبعیض، تحقیر و ستم قرار دارند». قید «معمولاً» در این تعریف برای این است که بعضی اوقات اعضای گروه اقلیت، بیشتر از گروه حاکم است، اما از نظر قدرت واحد سلطه بودن در اقلیت قرار گرفته‌اند.

۲-۲. اقلیت مذهبی

گروه اندکی از مردم یک شهر یا کشور که پیرو یک دین یا کیشی مخالف عموم مردم آن شهر یا کشور باشند. (دهخدا، ۱۳۱۰) به عبارت دیگر، اقلیت مذهبی گروهی از افراد هستند که مذهب آنها مذهب رسمی کشور نیست یا اینکه اکثریت مردم کشور پیرو آن نیستند (زمانی، ۱۳۸۴). در اسلام، اقلیت مذهبی به افرادی گفته می‌شود که عضو یکی از ادیان یهودی، مسیحی، زرتشتی یا تابعیت کشور اسلامی باشند که بین مذهب‌های مختلف آنها تفاوتی نیست هرچند در بعضی قواعد و اصول، تفاوت داشته باشند (تندر، ۱۳۹۷).

۲-۳. اسلام

اسلام در زبان عربی از ریشه (س ل م) به معنای تسلیم صلح آمیز، تسلیم شدن، اطاعت و صلح است. در اصطلاح، اسلام دینی از ادیان ابراهیمی است که به پیروان این دین، مسلمان می‌گویند. اسلام برای هر فردی با شهادتین یعنی، گفتن جمله «لا اله الا الله و محمد رسول الله» آغاز می‌شود. (قاری عبدالله خان، ۱۳۱۱)

۲-۴. حقوق بشر

حقوق بشر، حقوقی است که هر فرد به دلیل اینکه انسان است فارغ از رنگ، پوست، نژاد، دین و... آن را دارد. این حقوق در بیشتر قوانین ملی کشورها و قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. امروزه حقوق بشر، ضرورتی غیرقابل اجتناب است که همه دولت‌ها و فرهنگ‌ها نیاز و تعهد خودشان را به آن نشان داده‌اند؛ زیرا باعث کاهش درد و رنج بشریت می‌شود و توجه همگانی را به سوی نیازهای اساسی انسان، ترمیم و التیام درد و رنج بشر جلب می‌کند. (اسدالله زاده، ۱۳۹۶)

۳. تاریخچه

تنها نشان اقلیت در تاریخ مربوط به دوران ۵۳۸ قبل میلاد، زمان ورود کوروش کبیر به بابل است. او طی فرمانی تمام مللی که اقلیت بودند و در اسارت بابلی‌ها به سر می‌بردند را آزاد کرد. این فرمان کوروش کبیر به صورت کتیبه‌ای درآمده و نخستین اعلامیه حقوق بشر جهانی است که در زمان ایران باستان صادر شده است. در زمان داریوش برای اقلیت‌ها حقوق و مزایایی در نظر گرفته شده بود و داریوش، قانون اساسی کشور را براساس بردباری دینی و رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی تدوین کرده بود. در سال ۱۹۵۵ میلادی پیمان صلح اوگسبورگ امضا شد. در این پیمان، حمایت از اقلیت‌های مذهبی مطرح شده است. در اسلام از صدر اسلام، حقوق اقلیت‌ها مورد توجه بوده و در قرآن نیز در آیاتی به این حقوق اشاره شده است. پیامبر اکرم ﷺ نیز به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذاشت و برای برقراری این حقوق در جامعه آن

زمان که اعراب خود را بالاتر از همه می دانستند، تلاش می کرد تا حقوق این افراد پایمال نشود. ایشان با فتح مکه فرمود: «مردم از زمان آدم تا امروز مثل دانه های شانه، مساوی هستند. هیچ فضیلتی برای عرب بر عجم و برای سرخ بر سیاه وجود ندارد مگر به سبب تقوا» (اسدالله زاده، ۱۳۹۶)

۴. اقلیت از نظر اسلام

اسلام دینی است که برپایه آزادی عقیده و عدم اکراه در دین استوار است. اسلام هیچ گاه عقاید دینی خود را به دیگران تحمیل نکرده است و تنها دینی است که با اینکه فاتح بود مخالفین و دشمنان خود را در عقیده، آزاد گذاشت. توجه اسلام به حقوق پیروان سایر مذاهب تا آن اندازه ای زیاد بود که در آیه ۴۰ سوره حج می فرماید: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمْتُ صَوَامِعَ وَبِيَعٍ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ و اگر خدا (رخست جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه ها، دیرها، کنشت ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می شود همه خراب و ویران شود». با توجه به این آیه، معابد دیگر در این آیه در ابتدا آمده، اما مسجد یعنی، معبد مسلمانان در آخر آمده که نشان دهنده حمایت اسلام از اقلیت های مذهبی به دور از هرگونه تعصب است. در آیات قرآن کریم حقوق لایتغیری وجود دارد که در هر زمان و مکان برای همه انسان ها قرار داده شده است.

۴-۱. حقوق اقلیت های دینی در زمان پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ پس از بعثت، دوازده سال از سوی دشمنان و مخالفانش مورد آزار و اذیت قرار گرفتند، اما زمانی که مکه را در سال نهم هجری فتح کردند به مردمی که اطراف مکه جمع شده بودند، فرمود: «همه شما از آدم خلق شده اید و آدم هم از خاک خلق شده است (اصغری آقامشهدی، ۱۳۸۷). «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست) گرامی ترین شما نزد خداوند

باتقواترین شماسست و خداوند دانا و آگاه است» (حجرات: ۱۳). این آیه یعنی، پیامبر ﷺ حکومت خود را برپایه مساوات و برابری آغاز کرده است و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد. برای همین وقتی در سیره پیامبر اکرم ﷺ به خوبی می توان احترام ایشان به حقوق اقلیت ها را دید؛ زیرا اقلیت ها در حکومت پیامبر ﷺ می توانستند به مراسم عبادی خود بپردازند، آیین خود را حفظ کنند و هیچ کس حق آزار و اذیت کردن آنها را نداشت به طوری که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هرکس به انسانی که در پناه اسلام است، ظلم کند روز قیامت در برابر او خواهم بود و علیه او سخن خواهم گفت» (اصغری آقامشهدی، ۱۳۸۷).

در زمان پیامبر ﷺ افراد یهودی و نصاری زیادی در قلمروی اسلام زندگی می کردند که به آنها اهل ذمه می گفتند. آنها دین اسلام را قبول نکردند و چون براساس آیه ۲۵۶ سوره بقره در دین اسلام هیچ اجباری وجود ندارد پیامبر ﷺ آنها را مجبور به مسلمان شدن نمی کرد، اما چون در قلمروی اسلامی زندگی می کردند باید قواعد و مقرراتی برای آنها وضع می کرد. به همین دلیل پیامبر ﷺ عقد ذمه را قرار داد؛ زیرا این قرارداد باعث ایجاد محیطی امن، تفاهم و زندگی مسالمت آمیز میان گروه های مختلف دینی و مذهبی در قلمروی اسلامی می شد. براساس این عقد تا زمانی که اهل ذمه به پیمان خود وفادار باشند مورد حمایت حکومت اسلامی بوده و حقوق دارند و در مقابل باید مالیاتی به نام جزیه به حکومت اسلامی بپردازند.

۴-۱-۱. حق مصونیت و امنیت و آرامش

پیامبر ﷺ در پیمان هایی که با یهودیان و دیگر ساکنان مدینه می بستند، اصرار داشتند آرامش و امنیت کامل در مدینه برقرار باشد. برای همین می فرمود: «هیچ فردی حق تعرض به دیگران را ندارد و جنگ با اقلیت هایی که دوستدار زندگی مسالمت آمیز هستند، ممنوع است» (اصغری آقامشهدی، ۱۳۸۷). باتوجه به این حرف، هیچ فردی نمی تواند به جان و مال و ناموس اقلیت ها تعرض کند و در صورت تعرض، ازسوی حکومت اسلامی مجازات می شود.

در اسلام احترام به ادیان آسمانی و پیامبران الهی دیگر، اصلی مهم است: «بگویند ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران ازسوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم، میان هیچ‌یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم» (بقره: ۱۳۶). اقلیت‌های دینی در حکومت اسلامی می‌توانستند آزادانه و به‌طور علنی به مراسم و شعائر مذهبی خود بپردازند. پیامبر ﷺ برای اقلیت‌های دینی مثل یهود هیچ‌گونه محدودیت خاصی ایجاد نکرده بودند. همان‌طور که مسلمانان در مسجد نماز می‌خواندند یهودیان نیز در معابد خود عبادت می‌کردند. برای همین در جنگ‌های صدر اسلام کسی حق تعرض بر معابد اهل کتاب نداشت؛ زیرا صیانت از عبادتگاه‌های اهل ذمه یکی از اهداف جهاد است.

۴-۱-۳. حقوق قضایی

منظور از حقوق قضایی، عدالت قضایی است؛ یعنی باید در دادگاه‌ها با همه افراد جامعه رفتار یکسانی شود تا اقلیت‌ها نیز بتوانند در صورت نیاز برای احقاق حق به دادگاه‌ها مراجعه کنند. اسلام براساس قرارداد ذمه، این حق را به اقلیت‌های دینی قرار داده است به‌طوری‌که در صدر اسلام، غیرمسلمانان برای حل اختلافات خود به پیامبر ﷺ مراجعه می‌کردند و پیامبر ﷺ نیز هنگام حکم دادن، هیچ تبعیضی قائل نمی‌شدند. در حکومت اسلامی اقلیت‌های دینی با چند شرط حق ترافع قضایی داشتند که عبارتند از: نخست اینکه ذمی مدعی علیه باشد و مسلمان مدعی و یا بالعکس؛ یعنی یک سمت دعوا، مسلمان باشد. در این صورت می‌تواند به مراجع قضایی اسلامی رجوع کنند و حکم لازم‌الاجراست؛ دوم اینکه اگر دو سمت دعوا اهل کتاب باشند، اختیاری است که به دادگاه اسلامی رجوع کنند. برای حاکم اسلامی نیز اختیاری است که به این دعوا رسیدگی کند یا نه.

۴-۱-۴. حق مسکن

این حق نیز یکی از حقوقی است که برای اقلیت‌های دینی به رسمیت شناخته شده است. براساس این حق، اقلیت‌های دینی آزاد هستند که در هر نقطه از سرزمین اسلامی به جز مناطق ممنوعه مثل سرزمین حجاز، مساجد مسلمانان و... اقامت دائم یا موقت داشته باشند. شاید برخی محدودیت‌ها نیز برای آنها در نظر گرفته شود.

۴-۲. دیدگاه امام علی علیه السلام در مورد اقلیت‌های دینی

همان‌طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذاشتند حضرت علی علیه السلام جانشین آن حضرت نیز همان مسیری را طی کردند که دین اسلام به آن سفارش کرده بود و حقوق اقلیت‌ها را محترم می‌شمردند. در قرآن آمده است که جان انسان‌ها ارزشمند است و حضرت علی علیه السلام جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله، قرآن را چراغ راه خود قرار دادند و حق زندگی را مهمترین و اساسی‌ترین حق بشریت دانستند و به خطر انداختن آن را جز در مواردی که خداوند اجازه داده است، ممنوع کردند. ایشان در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «از خون‌ریزی بپرهیز و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز همانند خون ناحق، کیفر الهی را نزدیک مجازات بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند و روز قیامت خدای سبحان قبل از رسیدگی اعمال بندگان، نسبت به خون‌های ناحق ریخته شده، داوری خواهد کرد، پس با ریختن خونی حرام، حکومت خود را تقویت مکن؛ زیرا خون ناحق، پایه‌های حکومت را سست و پست می‌کند و بنیاد آن را برکنده و به دیگری منتقل می‌سازد».

در سیره حضرت علی علیه السلام حضرت هیچ‌گاه شروع‌کننده جنگ نبودند؛ زیرا ایشان حق حیات را برای دشمنان و مخالفان خود نیز به رسمیت می‌شناختند. ایشان نه تنها خود و دیگران را موظف به حفظ حیات دیگران می‌دانستند، بلکه در توصیه‌های خود همواره اهل کتاب و اهل ذمه را نیز در کنار مسلمانان می‌آوردند و کارگزاران خود را از ظلم و ستم به آنها منع می‌کردند به طوری که به کارگزاران خود می‌فرمود: «ستم بر اهل قبله روا مدار و بر غیر اهل قبله که با مسلمانان پیمان هم‌زیستی دارند، ظلم مکن و تکبر را از خود دور کن؛ زیرا خداوند

متکبران را دوست ندارد». حضرت علی علیه السلام امنیت مالی را نیز مانند امنیت جانی از حقوق اساسی همه مردم حتی پیروان سایر ادیان می‌دانند. وی در خطبه ۹۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «اگر مسلمانی از شنیدن خبر غارت یک زن یهودی که تحت حکومت اسلامی است، بمیرد پیش من نه تنها سزاوار ملامت نیست، بلکه شایسته تکریم و اجر است». از دیگر حقوقی که حضرت علی علیه السلام به آن اشاره دارند حق آزادی است. ایشان معتقدند که این حق لازمه خلقت بشر است که انسان به گوهر وجودی و فطرت خود آزاد آفریده شده است. اگر به بندگی و بردگی دیگران تن ندهد حریت دارد و در این باره می‌فرماید: «ای مردم! آدم نه بنده‌ای زایید و نه کنیزی. مردم همه آزادند» (نهج البلاغه، خطبه ۹۵). حضرت علی علیه السلام با بیان: «ایها الناس» اظهار می‌دارند که مخاطب ایشان همه انسان‌هاست و با گفتن: «ان الناس کلهم احرار» بیان می‌کند که اصل آزادی برای همه انسان‌ها ثابت است و این حق آزادی شامل: آزادی عقیده و اندیشه، آزادی بیان، آزادی سیاسی می‌شود.

اسلام، آزادی اندیشه و عقیده را مهمترین حقوق انسان‌ها می‌داند و در این مورد می‌فرماید: «در قبول دین، اکراهی نیست». حضرت علی علیه السلام از اعمال خشونت‌آمیز برای هدایت مخالفان و پیروان سایر ادیان به سمت اسلام استفاده نکرده‌اند. نویسنده مسیحی جورج جرداق درباره این مسئله می‌گوید: «امام علی علیه السلام نمی‌خواست دین، مذهب و عقیده معینی را به مردم تحمیل کند. او با اینکه جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و پناهگاه اسلام و امیر مسلمانان بود، ولی از اینکه عقیده دینی مسلمانان را به احدی از مردم تحمیل نماید به شدت بیزار بود. از نظر او هرکس هر طریقه‌ای را که در ایمان و اعتقاد می‌پسندد، مختار است، ولی به شرط اینکه آن عقیده و ایمان به ضرر جامعه تمام نشود» (جرداق، ۱۳۸۹). از این رو در حکومت حضرت علی علیه السلام اقلیت‌های دینی به دلیل داشتن عقیده خود از حقوقی محروم یا مورد بازخواست قرار نمی‌گرفتند و حضرت علی علیه السلام دفاع از حقوق اقلیت‌های دینی که در ذمه حکومت اسلامی بودند را بر خود و کارگزارانش واجب می‌شمرد. در مورد آزادی بیان، اسلام بیان را یک محبت الهی می‌شمرد و اعتقاد دارد که هرکس حق این را دارد که از آن آزادانه استفاده کند. حضرت

علی علیه السلام نیز در زمان حکومت خود محیطی ایجاد کرده بود که حتی دشمنان و مخالفانش نیز آزادانه سخن می‌گفتند. حضرت علی علیه السلام همیشه می‌فرمود: «لا تکفوا عن مقاله بحق؛ از گفتن سخن حق، دریغ نکنید». (جرdaq، ۱۳۸۹). حضرت علی علیه السلام در اوج فرمانروایی و اقتدار، چنان فروتن بود که مخالفانش نیز زیر پرچمش احساس امنیت می‌کردند و انتقادات و پیشنهادهایش را مطرح می‌کردند. آن حضرت مخالفان و منتقدان مسلمان و غیرمسلمان را تا آنجا که توطئه‌ای در کار نبود، آزاد می‌گذاشت. در راستای آزادی سیاسی، وقتی به نظام سیاسی حضرت علی علیه السلام توجه می‌شود به وضوح برای همگان آشکار می‌شود که این نوع آزادی برای همه گروه‌های جامعه وجود داشته است و یک ارزش محسوب می‌شده است؛ زیرا آن حضرت، انسان‌ها را از استبداد، خودکامگی و خودرأیی، نهی می‌کردند و آن را موجب نابودی می‌دانستند.

۳-۴. دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه در مورد اقلیت‌های دینی

امام خمینی رحمته الله علیه معتقد بود که اقلیت‌های دینی نیز مانند سایر افراد جامعه از احترام کامل و حقوق برابر برخوردار هستند. با توجه به سخنان امام رحمته الله علیه می‌توان به روشنی این مطلب را دریافت: «ما مطمئناً نسبت به عقاید دیگران بیشترین احترام را قائل هستیم، پس از سرنگونی دیکتاتوری و استقرار یک رژیم آزاد، شرایط حیات برای اکثریت مسلمانان و اقلیت‌های مذهبی بسیار خواهد شد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۳/۴). «اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت‌های مذهبی آزادی داده است و آنها نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسان‌ها قرار داده است، بهره‌مند شوند. ما به بهترین وجه از آنها نگهداری می‌کنیم. در جمهوری اسلامی، کمونیست‌ها نیز در بیان عقاید خود آزادند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۳۳۷/۴). با توجه به بیانات امام رحمته الله علیه ایشان برای اقلیت‌ها حقوقی را در نظر دارد که عبارتند از:

۳-۴-۱. مصونیت اقلیت‌ها

امنیت از واضح‌ترین حقوقی است که باید برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شود؛ زیرا پایه سایر حقوق است. وقتی نتوان امنیت را برای آنها تأمین کرد چگونه می‌توان از دیگر حقوق سخن گفت. امام خمینی رحمته‌الله علیه در این باره می‌فرماید: «به این اقلیت‌های دینی که در ایران هستند کسی حق ندارد تعرض بکند، اینها در پناه اسلام و مسلمین هستند. به اینهایی که مذهب رسمی دارند، حق ندارند تعرضی بکنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۳۳۷/۴). در اینجا منظور امام رحمته‌الله علیه از مذهب رسمی، مذاهبی است که در اسلام به رسمیت شناخته شده‌اند که شامل: مسیحیت، یهودیت و زرتشت است. امام رحمته‌الله علیه ایجاد امنیت کامل برای اقلیت‌های دینی را در صورتی امکان‌پذیر می‌داند که آنها نیز به برخی شرایط پایبند باشند. در صورت پایبندی آنها، هیچ شخصی حق تعرض به آنها را ندارد. از جمله این شرایط عبارت است از: تصمیم جنگ با مسلمین یا کمک به مشرکان را نداشته باشند؛ آنچه برای مسلمین منکر و زشت است به آنها تظاهر نکنند، مثل زنا؛ با محارم خود ازدواج نکنند؛ اسباب آزار و اذیت مسلمانان را ایجاد نکنند مثل سرقت یا جاسوسی؛ احکام مسلمانان را و اجرای حدود الهی را قبول کنند. امام رحمته‌الله علیه نیز بر اساس سیره پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و امام علی علیه‌السلام عمل می‌کردند.

۳-۴-۲. آزادی مذهبی

امام خمینی رحمته‌الله علیه انجام همه فرایض عبادی، مذهب و اجتماعی را برای اقلیت‌های مذهبی آزاد می‌داند و در این باره می‌فرماید: «تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و نیز آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۶۴۱/۴). امام خمینی رحمته‌الله علیه نه تنها برای اقلیت‌های دینی انجام شعائر و آداب دینی و اجتماعی را آزاد می‌داند، بلکه دولت اسلامی را برای پاس‌داری از حقوق و تأمین امنیت آنها موظف می‌داند.

۴-۳-۳. آزادی عقیده

امام خمینی رحمته الله علیه آزادی عقیده و اظهار نظر برای اقلیت‌ها را پذیرفته است و می‌فرماید: «دولت اسلامی، یک دولت دموکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت‌های مذهبی، آزادی به طور کامل هست و هرکس می‌تواند اظهار عقیده خودش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را به عهده دارد و دولت اسلامی، تمامی منطبق‌ها را با منطبق جواب خواهد داد». (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۴/۴۱۰) با توجه به سخن امام رحمته الله علیه چون اسلام دینی کامل و جامع است توانایی پاسخ به هر عقیده و اندیشه‌ای را دارد. برای همین، اظهار همراه با منطبق صحیح عقیده از سمت دیگران را بدون مانع می‌داند. امام خمینی رحمته الله علیه در سخنان خود به صراحت بر آزادی عقیده توسط اقلیت‌ها تأکید می‌کند: «اسلام همیشه حافظ حقوق اقلیت‌های مذهبی بوده و هست. آنها در جمهوری اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۵/۱۸۸). براساس مطالبی که بیان شد رفتار امام خمینی رحمته الله علیه با اقلیت‌ها به‌ویژه اهل کتاب در نظام سیاسی دینی براساس قانون عدالت و انصاف است.

۵. حقوق اقلیت‌ها از نظر جامعه بین‌المللی و حقوق بشر

اقلیت‌ها همواره مسئله‌ای در حقوق بین‌الملل بوده و در طول تاریخ به اشکال گوناگون خودنمایی کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به کشتار اقلیت‌های مسیحی توسط حاکمان یهودی و غیریهودی اروپایی در صدر تاریخ مسیحیت و قتل عام یهودیان به وسیله مسیحیان رومی اشاره کرد. در عرصه بین‌الملل در دو سند مهم آن یعنی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور ملل از اقلیت سخنی نیامده است، اما از برابری انسان‌ها با یکدیگر و بهره‌مندی همه آنها از حقوق و آزادی‌های اساسی بدون هرگونه تبعیضی مانند نژاد، جنس، زبان و مذهب صحبت شده است. برای نمونه می‌توان به ماده ۵۵ منشور ملل متحد اشاره کرد: «به منظور ایجاد موجبات ثبات و آسایشی که برای تأمین روابط مودت و مسالمت بین ملل لازم است و باید براساس احترام اصل تساوی حقوق آنها و حق اقوام در تعیین آزادانه سرنوشت خود استوار

باشد، ملل متحد، اموری را تشویق می‌کند که عبارتند از: بالا بردن سطح زندگی و کار مکفی و موجبات ترقی و توسعه امور اقتصادی و اجتماعی؛ حل مسائل بین‌المللی از سنخ اقتصادی، اجتماعی و بهداشت عمومی و سایر مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی در محیط فرهنگی و تربیتی؛ احترام جهانی و حقیقی حقوق بشر و آزادی‌هایی که برای همه کس، اساسی است بدون تفاوت نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب.

در اسناد دیگر مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی، میثاق حقوق اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی نیز به اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره شده است. برخی از اسناد بین‌المللی به صورت مشخص و ویژه به حقوق اقلیت‌ها اختصاص دارد مانند کنوانسیون محو تبعیض نژادی، اعلامیه محو هر نوع نابردباری و تبعیض براساس مذهب، اعلامیه مربوط به حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی و مذهبی و زبانی و... .

۵-۱. حقوق دربرگیرنده تمام اقلیت‌ها براساس اسناد بین‌المللی

با نگاهی به کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی روشن می‌شود برخی از حقوق برای تمام اقلیت‌ها مثل اقلیت مذهبی، نژادی و زبانی و... است و منحصر به یک اقلیت خاص نیست. برخی از این حقوق عبارتند از:

حق برابر با اکثریت: این حق، ابتدایی‌ترین حق است؛ زیرا اقلیت‌ها نیز مانند سایر افراد کشور، تابعیت آن کشور را دارند و هم‌وطن آنها محسوب می‌شوند. برای همین این حق بدیهی‌ترین حق است، اما همین حق تا مدت‌ها از آنها سلب شده بود با اینکه در منشور ملل متحد در بند ۳ ماده یک و بند ج ماده ۵۵ این حق برای تمام اقلیت‌ها معتبر شناخته شده است: بند ۳ ماده ۱: «ملی ساختن همکاری‌های بین‌المللی با حل مسائل بین‌المللی که جنبه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا انسان دوستی دارند با توسعه و تشویق احترام حقوق انسانی و آزادی‌هایی که برای عموم اساسی هستند بدون تمایز بین نژاد و جنس و زبان یا مذهب»، بند ج ماده ۵۵: «احترام جهانی و حقیقی حقوق بشر و آزادی‌هایی که برای همه کس، اساسی است بدون تفاوت نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب». در ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و در

ماده ۲۷ حقوق مدنی سیاسی نیز به این حق اشاره شده است: ماده ۲ اعلامیه جهانی: «هرکس می‌تواند از کلیه آزادی‌ها که در اعلامیه حاضر به آن تصریح شده، بی‌هیچ‌گونه برتری، منجمله برتری از نظر نژاد و رنگ و جنس و زبان و دین یا هر عقیده دیگر و از نظر زاد و بوم یا موقعیت اجتماعی و از نظر توانگری یا نسب یا هر وضع دیگر بهره‌مند گردد».

هیچ امتیازی بر اساس نظام سیاسی یا قانونی یا بین‌المللی مربوط به کشور یا سرزمینی که شخص، تبعه آن است، وجود ندارد، خواه سرزمین مزبور مستقل باشد یا زیر سرپرستی، خواه فاقد خودمختاری باشد یا سرزمینی که حاکمیت آن به شرطی از شروط محدود شده باشد. ماده ۲۷ حقوق مدنی سیاسی: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند افراد متعلق به این اقلیت‌ها را نباید از حق تشکیل اجتماع با سایر اعضای گروه خود، بهره‌مندی از فرهنگ، ابراز و انجام فرایض دینی و کاربرد زبان خودشان محروم کرد. در اسناد بین‌المللی دیگری به این حق اشاره شده که نشان می‌دهد که اقلیت‌ها نیز مانند سایر افراد جامعه هستند و باید با آنها رفتاری برابر با اکثریت داشت».

حقوق برخورداری از تحصیلات براساس ویژگی‌های اقلیتی: برای توضیح این حق باید گفت که تحصیل، حق همه افراد جامعه است، اما در مورد اقلیت‌ها باید این حق، ویژگی‌هایی داشته باشد مانند استفاده از زبان اقلیت‌ها، آموزش تاریخ فرهنگشان، آموزش مذهبی آنان و...؛ زیرا تحصیلات، عنصر بی‌نهایت مهمی برای حمایت به عمیق کردن ویژگی‌های شخصیتی اقلیت‌هاست که به این حق در بعضی از اسناد بین‌المللی اشاره شده است که بخشی از این اسناد عبارتند از: ماده ۱۲۳ کنوانسیون دوربان: «دولت‌ها باید از هرگونه تبعیض براساس نژاد، رنگ، ملیت در تمام سطوح تحصیلی اعم از تحصیلات رسمی و غیررسمی ممنوع کنند و تضمین نمایند که تمام کودکان به تحصیل با کیفیت عالی دسترسی داشته باشند». ماده ۲۷ کنوانسیون مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای: بند ۱: «برنامه‌های تحصیلی نسبت به این افراد باید توسعه یابد و منطبق با نیازهای خاص آنان و تاریخشان باشد و هدفشان بالا بردن سطح دانش، تکنولوژی و جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آنان

باشد». بند ۳: «دولت‌ها موظفند حقوق اقلیت‌ها را در ایجاد مدارس و آموزشگاه‌ها شناسایی کرده و زمینه همکاری این اقلیت‌ها را در توسعه کشور فراهم آورند». در کنوانسیون مبارزه با تبعیض در تحصیلات نیز آمده که اقلیت‌ها باید به مدرسی که مخصوص زبان خودشان است، بروند.

۵-۲. حق مشارکت در اداره منطقه محل زندگی

اقلیت‌ها زمانی احساس آرامش و یکی بودن با سایر افراد جامعه را در خود احساس می‌کنند که در اداره منطقه محل زندگی خود مشارکت داشته باشند. در این مورد سند‌های بین‌المللی وجود دارد که به این موضوع توجه کرده است: ماده ۳۳ کنوانسیون حقوق مربوط به افراد متعلق به گروه‌های بومی و قبیله‌ای، بند ۳: «بومیان باید در قانون‌گذاری و انتخابات مقامات محلی خود مشارکت داشته باشند». ماده ۶ بند ۱: «یکی از وظایف دولت‌ها مشاوره با بومیان به‌ویژه از طریق نمایندگان‌شان در هر موردی که قانون‌گذاری یا انجام امر اداری خاص، آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باشد». ماده ۷ بند ۱: «بومیان برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌هایی که به نحوی زندگی، عقیده، سنت‌ها، سرزمین تحت حاکمیت یا توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد اولویت دارد».

۶. حقوق اقلیت‌های دینی

از قدیمی‌ترین اقلیت‌ها، اقلیت‌های دینی هستند و توسط دولت‌ها نیز مورد حمایت قرار گرفته‌اند. جنگ‌های صلیبی باعث شد تا مسلمانان در کشورهای مسیحی و مسیحیان در کشورهای مسلمانان ساکن شوند. تعیین خطوط مرزی پس از جنگ‌های طولانی باعث دور افتادن مذاهب از یکدیگر شد مثل اینکه کاتولیک‌ها در کشور پروتستان‌ها و پروتستان‌ها در کشور کاتولیک‌ها ساکن شدند. همین اتفاق هم در کشورهای مسلمان نیز افتاد. برای مثال اقلیت شیعه‌مذهب در کشورهای سنی‌مذهب مثل پاکستان و اقلیت‌های سنی‌مذهب در کشورهای شیعه‌مذهب مثل ایران ساکن شدند. از چند قرن گذشته، ابتدایی‌ترین حقوقی که

برای اقلیت‌ها در نظر گرفته شده است شامل حق حیات، حق اشتغال، حق سکونت است که براساس معاهدات برای اقلیت‌های مذهبی ایجاد شده است. با مرور زمان، حق انجام مراسم مذهبی و حق استخدام عمومی پیروان مذاهب اقلیت نیز به این حقوق اضافه شده است. برخی از مواد در اسناد بین‌المللی که به برابری اقلیت‌های مذهبی با سایر افراد اشاره دارد، عبارتند از:

ماده ۱ اعلامیه حقوق بشر اسلامی: «بشر به طور کلی یک خانواده هستند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم آنها را گردآورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند، بدون هرگونه تبعیضی از نظر نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس با اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و... عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان است.

ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هرکس می‌تواند از همه آزادی‌ها که در اعلامیه حاضر به آن تصریح شده است بی‌هیچ‌گونه برتری، از جمله برتری از نظر نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین یا هر عقیده دیگر و از نظر زاد و بوم یا موقعیت اجتماعی و از نظر توانگری یا نسب یا هر وضع دیگر بهره‌مند شود. نیز هیچ امتیازی براساس نظام سیاسی، قانونی یا بین‌المللی مربوط به کشور یا سرزمینی که شخص از تبعه آن محسوب است، وجود نخواهد داشت خواه سرزمین مزبور مستقل باشد یا زیر سرپرستی، خواه فاقد خودمختاری باشد یا سرزمینی که حاکمیت آن به شرطی از شروط محدود شده باشد».

ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی: «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره همه افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیتشان بدون هیچ‌گونه تمایزی مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین کنند».

۷. اقدام و نقض‌های جامعه بین‌المللی در پشتیبانی از اقلیت‌ها

برخلاف حمایت‌هایی که در اعلامیه ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ م از حقوق اقلیت‌ها شد، دامنه این حمایت، محدودیت‌هایی دارد که به دلیل رفتار محافظه‌کارانه دولت‌ها ایجاد شده است؛ زیرا دولت‌ها بدگمانی‌هایی نسبت به اقلیت‌ها دارند و نگران این مسئله هستند که اقلیت‌ها باعث تزلزل وحدت ملی شوند. این نگرانی، هم در گذشته و هم امروزه مشاهده می‌شود. اولین سدی که مانع گسترش دامنه حقوق اقلیت‌ها می‌شود، حق اساسی دولت‌هاست که مورد حمایت حقوق بین‌الملل عمومی است. ماده ۸ اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، بند ۴: «هیچ‌یک از مواد اعلامیه حاضر را نمی‌توان چنان تفسیر کرد که هیچ‌گونه اقدامی را علیه اهداف و اصول ملل متحد از جمله برابری کامل، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها مجاز شمارند. از این ماده می‌توان این برداشت را کرد که راهی برای دولت‌ها بازگذاشته شده است تا در روابطشان با اقلیت‌ها، آزادی عمل خود را بتوانند تا حدی حفظ کنند؛ زیرا فهمیدن این موضوع که رفتار اقلیت‌ها مطابق یا مغایر با حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال کشور است یا نه برعهده دولت است. به عبارتی دولت‌ها می‌توانند هر وقت صلاح ببینند با یک‌سری اقدام‌هایی تحت پوشش اصول معتبر جامعه بین‌المللی باعث محدود شدن محدوده حقوق اقلیت‌ها شوند». از طرف دیگر می‌توان این ماده را درک کرد؛ زیرا حفظ حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی که حقوق اساسی و مسلم هر دولتی است در اصل اساس بقای دولت است و ارتباط مستقیم و نزدیک با حیات آن دارد، پس نگرانی دولت از بروز هرگونه بحران در این زمینه در اثر رفتار اقلیت‌ها قابل درک است.

مانع دیگری که باعث محدود شدن حقوق اقلیت‌ها در موارد مخصوص می‌شود قوانین داخلی است. بعضی آداب و سنت‌ها با گذشت زمان و تحول جامعه دیگر با زندگی امروزی و طرز فکر عمومی مطابقت ندارد و چون نظام حقوقی هر جامعه پیروی تحولات درون آن است، ممکن است مواردی پیش آید که این سنت‌ها به‌ویژه از نقطه نظر قوانین آن جامعه اعمال

خلاف محسوب شود. درست است که اسناد بین‌المللی از دولت‌های می‌خواهند شرایطی ایجاد کنند که اقلیت‌ها بتوانند ویژگی‌های هویتی خودشان را ابراز کنند در واقع بتوانند فرهنگ، زبان و سنت‌های خودش را ترویج کنند، اما قید می‌کنند که اگر این اعمال و رفتار، خلاف قوانین ملی یا بین‌المللی باشند دیگر اسناد بین‌المللی از آن حمایت نمی‌کنند. این عمل طبیعی است؛ زیرا هیچ دولتی زمینه‌ای برای اجرای سنت‌هایی که خلاف قوانینش است، فراهم نمی‌کند.

از طرف دیگر در اسناد بین‌المللی، نسبت به اقلیت‌ها برای دولت‌ها وظیفه دقیقی مشخص نشده است. تنها چیزی که از دولت‌ها خواسته شده این است که تمام سعی و تلاش خود را برای حمایت از اقلیت‌ها به عمل آورند، اما هیچ‌گونه تعهدی نسبت به نتیجه این اقدامات ندارند و نیز خودشان می‌توانند شیوه عمل برای رسیدن به این هدف را تعیین کنند؛ یعنی اجرای حقوقی که اسناد بین‌المللی برای اقلیت‌های در نظر گرفته‌اند تا حد زیادی وابسته به اراده دولت‌هاست که این اراده ارتباط مستقیمی با روابط دولت با گروه‌های اقلیتی مقیم آن کشور دارد. اگر این روابط به سمت بحران و تیرگی برود حمایت از اقلیت‌ها در حد اصلی توخالی باقی می‌ماند.

۸. نتیجه‌گیری

حقوق اقلیت‌های مذهبی، امری شناخته‌شده هم در عرصه اسلام و هم در عرصه بین‌الملل است. به طوری که در عرصه بین‌الملل نیز اسناد و موادی با موضوع اقلیت مذهبی به تصویب رسیده است تا حقوق اقلیت‌های مذهبی در عرصه بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شود. در آیات و روایات آمده است که دین اسلام، دینی فراگیر است و نسبت به سایر افراد با هر دینی که باشد به طور برابر رفتار می‌کند. با بررسی سیره پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی عَلِيٌّ و امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى به روشنی این مطلب دیده می‌شود. از تفاوت جامعه بین‌المللی با اسلام در تحقق این حقوق این است که جامعه بین‌المللی در این رابطه مواد و اسنادی را فقط مطرح کرده و اجرای آن را به دولت‌ها سپرده است و اگر دولتی با اقلیت مقیم کشور خود رابطه خوبی

نداشته باشد از انجام این مواد سر باز می‌زند در حالی که در دین اسلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای اجرا و تحقق حقوق اقلیت‌ها تلاش کردند و حضرت علی علیه السلام، جانشین آن حضرت به پاسداری از حقوق اقلیت‌های دینی پرداختند و امام خمینی رحمته الله علیه در کشور ایران، حقوق اقلیت‌های مذهبی را به رسمیت شناخته و دولت اسلامی را موظف به اجرا و پاسداری از این حقوق می‌دانند.

فهرست منابع

- * قرآن الکریم
- * نهج البلاغه
- ۱. احمدزاده، امیر (۱۳۹۱). بررسی حقوق اقلیت‌های دینی و نژادی در حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله. نشریه مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۲(۱)، ۱۲۱-۱۴۰.
- ۲. احمدیان، حسن (۱۳۸۸). حقوق اقلیت‌ها در سیره علوی. نشریه فرهنگ پژوهش، شماره ۴، ۱۲۳-۱۳۶.
- ۳. اسداله‌زاده، علی (۱۳۹۶). نقد مفهوم جهان‌شمولی حقوق بشر با تکیه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر. نشریه اندیشه حقوق عمومی، ۴(۱۱)، ۲۰-۷.
- ۴. اصغری آقامشهدی، فخرالدین (۱۳۸۷). حقوق اقلیت‌ها از نظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حقوق موضوعه. نشریه دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، شماره ۲۳، ۲۷-۴۲.
- ۵. اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰). مترجم: اسلامی اردکانی، سید حسن. تهران: دیدبان دادگستر.
- ۶. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸). مترجم: پوینده، محمد جعفر. تهران: نشر نی.
- ۷. اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲). ترجمه فارسی.
- ۸. بسته‌نگار، محمد (۱۳۸۵). پیامبر و اقلیت‌های دینی. نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۷۷، ۸۸-۹۳.
- ۹. ترنبری، پاتریک (۱۳۷۹). حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها. مترجم: شمشادی، آریتا، و آقای، علی‌اکبر. تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
- ۱۰. تندر، مجید (۱۳۹۷). بررسی حقوق اقلیت‌های دینی از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران و بین‌الملل با تأکید بر آزادی عقیده و بیان. نشریه معارف و فقه علوی، شماره ۶، ۲۷-۶۰.
- ۱۱. جرداق، جرج (۱۳۸۹). امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانیت. مترجم: خسروشاهی، سید هادی. قم: بوستان کتاب.
- ۱۲. حجتی کرمانی، علی (۱۳۸۴). حقوق اقلیت‌های مذهبی. اقلیت‌ها در ماه حکومت اسلامی. درس‌هایی مکتب اسلام، شماره ۴، ۲۳۰-۲۳۲.
- ۱۳. خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۸۰). اقلیت‌ها. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- ۱۴. دستی، تقی، و باطنی، ابراهیم (۱۳۸۹). مفهوم‌شناسی اقلیت. نشریه حقوق اسلامی، شماره ۲۵، ۱۷۵-۲۰۲.
- ۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۱۰). لغت‌نامه دهخدا. تهران: چاپخانه بانک ملی.

۱۶. ذوالعین، نادر (۱۳۷۳). حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل. نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۴۳۸-۴۶۱.
۱۷. زارع، حسین، و روحی، رحمت‌الله (۱۳۹۵). حقوق اقلیت‌های دینی در نهج‌البلاغه. نشریه سراج منیر، شماره ۲۴، ۱۳۳-۱۰۵.
۱۸. زمانی، سید قاسم (۱۳۸۹). حمایت از اقلیت‌های قومی مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. نشریه حقوق بشر، شماره ۴، ۱۳-۵۹.
۱۹. شعبانی صمغ‌آبادی، رضا، و کاووسی، سیده زهرا (۱۴۰۰). حقوق جامعه اقلیت‌های دینی و مذهبی در تاریخ معاصر ایران. نشریه علمی فقه و حقوق نوین، شماره ۶، ۴۱-۶۳.
۲۰. قاری عبدالله‌خان، فاضل (۱۳۱۱). دین اسلام. نشریه کابل، شماره ۹، ۱۷۵-۱۸۶.
۲۱. کنوانسیون دوربان (۲۰۰۱). مترجم: عطااللهی، علیرضا. تهران: علیرضا عطااللهی.
۲۲. کنوانسیون مربوط به افراد متعلق به گروه‌های قومی و قبیله‌ای (۱۹۸۹). مترجم: ابراهیمی، محمد. تهران: کتاب راه.
۲۳. لسانی، حسام‌الدین (۱۳۸۲). جایگاه اقلیت‌ها در حقوق بین‌المللی بشر. نشریه حقوق خصوصی، شماره ۳، ۱۵۳-۱۲۹.
۲۴. لک‌زایی، شریف (۱۳۸۳). مردم‌سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی علیه‌السلام. نشریه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، شماره ۲۳، ۹۱-۱۲۰.
۲۵. محمدزاده رهنی، محمدرضا، و فریدی، حسن (۱۳۸۹). بررسی فقهی و تکالیف اقتصادی و تجاری اقلیت‌های دینی. نشریه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، شماره ۲۳، ۱۱۳-۱۲۹.
۲۶. منشور ملل متحد (۱۹۴۵). مترجم: توانا، جعفر. تهران: کتاب راه.
۲۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام مجموعه سخنان امام خمینی علیه‌السلام. تهران: مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۲۸. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶). مترجم: زمانی، سیدقاسم. تهران: پژوهشکده حقوقی شهردانش.
۲۹. نوربخش، سیدمرتضی (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی عمومی. تهران: بهینه.
۳۰. نیک‌روشن رستمی، ملیحه (۱۳۹۹). حقوق اقلیت‌های قومی-مذهبی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر. نشریه حقوق بشری، شماره ۴، ۱۳-۵۹.